دنیا به روایت تصویر

تخریب یک پل قدیمی در منطقه «هالیوود» شهر «لس آنجلس» آمریکا

ساعاتی پیش از یک کارناوال در شهر «لاپاز» پایتخت بولیوی، عکس از خبرگزاری رویترز

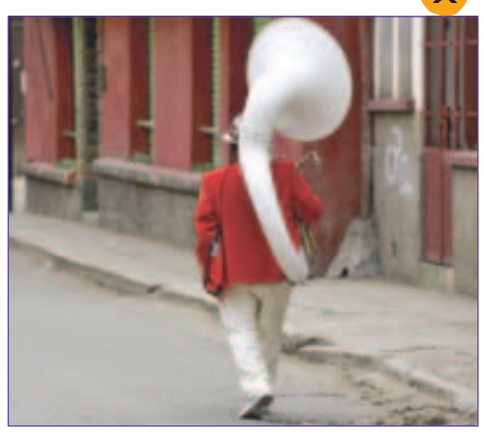

دومین مسابقات قهرمانی آفرود استان البرز، عکس از باشگاه خبرنگاران

دور دنیا

پیرترین پاندای دنیا!

گینس ورلد رکورد/ امسال در چین، تولد ۳۷ سالگی پیرترین پاندای جهان جشن گرفته شد. «جیا جیا» که در پارکی در هنگ‌کنگ زندگی می کند، عنوان پیرترین پاندای محافظت‌شده دنیا و البته پیرترین پاندای دیده‌شده دنیا را در کتاب رکوردهای گینس از آن خود کرده است. از آن جا که این حیوانات طول عمر کوتاهی دارند، عمر این پستاندار با سن انسانی ۱۱۰ ساله برابری می کند!

بلندقدترین زوج دنیا!

گینس ورلد رکورد/ زن و شوهر چینی با مجموع قد ۴ متر و ۲۳ سانتی‌متر، عنوان بلندقدترین زوج دنیا را از آن خود کرده‌اند. «سان» ۳۳ ساله با قد ۲ متر و ۳۳ سانتی‌متر و همسرش «خویان» ۲۹ ساله با قد ۱۸۴ سانتی‌متر، این عنوان را دریافت کردند. آن‌ها در طول مسابقات قهرمانی ورزشی کشور، با یکدیگر آشنا شدند و هر دو ورزشکار حرفه‌ای هستند.

سفری ماجراجویانه با کودک نه ماهه!

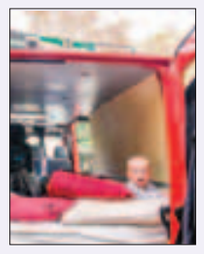

بورد پاندا/ زوجی اهل لیتوانی به نام «ون‌زوتفن» برای این که نشان دهند بچه‌ها مانعی برای سفرهای رویایی نیستند، به همراه «لئو» کودک نه‌ماهه‌شان به سفری ماجراجویانه به آفریقا رفتند. آن‌ها در طول سفر دو ماهه‌شان با یک ون، تنها یک شب را در هتل گذراندند و باقی شب‌ها را یا در ماشین یا در خانه اهالی شهرهای مختلف سپری کردند.

ریشه ضرب المثل

سبیلش آویزان شد

این اصطلاح را برای کسی به کار می‌برند که سرخورده و ورشکسته شده و حالت افسردگی به او دست داده است. پادشاهان صفوی اغلب دارای سبیل‌های کلفت و چخماقی بودند و همه حاکمان و قزلباش‌ها و افراد وابسته به دستگاه سلطنت نیز برای جلب نظر و حمایت سلطان و حاکمان و رسیدن به مقاصد خود، از آنان پیروی می کردند و صاحب سبیل‌های ازبناگوش دررفته بودند. همه درباریان هر روز سبیل خود را با روغن مخصوصی جلا و مالش می‌دادند تا هم شفاف شود و هم به علت چسبندگی روغن رو به بالا حالت بگیرد! شکل و حالت سبیل آنان در واقع حکم «میزان‌سنج» را داشت و دیگران از شکل و اندازه و تعداد حلقه‌ها و طراوت آن، به میزان لطف و مرحمت و علاقه سلطان و مافوق نسبت به صاحب سبیل پی می‌بردند و وارونه آن، اگر از تعداد حلقه‌ها و شفافیت و جلای سبیل کاسته می‌شد معلوم می‌شد که میزان لطف و عنایت سلطان یا حاکم نسبت به صاحب سبیل کاهش یافته است. در این گونه موارد، سبیل از رونق و جلا می‌افتاد و به علت نداشتن روغن و چسبندگی لازم به سمت پایین متمایل و به اصطلاح «آویزان» می‌شد. این آویزان شدن سبیل که نشانه بی‌مهری مافوق و کم‌پولی و بدهکار شدن صاحب سبیل بود، رفته‌رفته بر اثر تکرار به صورت ضرب‌المثل درآمد و امروز وقتی درباره کسی بگویند که فلانی سبیلش آویزان شده است، در معنی مجازی ورشکسته شدن و از قدرت افتادن وی را بیان کرده‌اند.

ترسناک

بسته پستی

در خانه تنها بودم و تلویزیون نگاه می کردم که مادرم زنگ زد. گفت: «تا یه ساعت دیگه برام یه بسته پستی میارن. حتماً تحویلش بگیر. برات سورپرایز دارم.» سر یک ساعت بسته را آوردند. با خوشحالی بسته را تحویل گرفتم، صدای عجیبی از داخل جعبه می‌آمد. حس کردم مامان برایم حیوان خانگی خریده. تا خواستم در جعبه را باز کنم، مادرم کلید انداخت و در خانه را باز کرد. گفتم: «سلام. شما که اومدین.» مادرم جواب داد: «سلام دخترم. این چیه دستت؟!»

سحر اقنوم

باجه تلفن با ظرفیت ۲۲ نفر!

Like Comment

- حامد بهداد اگه نقش یه گلدون رو هم بهش بدن، نقش یه گلدون عصبی که از اسکیزوفرنی رنج می‌بره رو بازی می‌کنه!
- کاش یه حموم هم بود که اتوماتیک از این‌ور می‌رفتی، از اون‌ور دو دقیقه بعد میانداختت بیرون! بدون نیاز به حرکت دست! فضاپیما به چه درد می‌خوره؟! دانشمندا باید این‌جور چیزای کاربردی بسازن!
- چطور توقع دارید اون‌طوری بشیم که شما می‌خواهید!؟ ما اونی که خودمون می‌خواستیم‌هم‌نشدیم!
- نمی‌فهمم واقعاً سیب‌زمینی سرخ‌کرده با این کمالاتی که داره، چرا باید چاق‌کننده باشه آخه؟ اصلا در شأن همچین غذای باشخصیتی نیست!
- شما به هرکدوم از گارانتی‌های موبایل ایران زنگ بزنید تلفن رو برمی‌دارن میگن «الو، آب‌خورده، ضربه‌خورده و از گارانتی خارجه، خدانگهدار!»
- اینایی که رو دلشون پا می‌ذارن خیلی انعطاف بدنی دارن. من حتی فکرشم نمی‌تونم بکنم، من همین که دستمو می‌کشم به صورتم کمرم درد می‌گیره!
- سوغات کرواسی مریی فوتباله!
- یعنی من هر طرف ماشین بشینم، همون سمت خورشید می‌تابه.
- رسیدن به محل کار این‌قدر سخت و فرسایشیه که وقتی می‌رسم شرکت احساس می‌کنم دیگه کارم رو انجام دادم و باید برگردم خونه!

Like Comment

شعر طنز

خانم رؤیا کابوسی!

یک نفر مانند من خوشحال بود — در امور تنبلی فعال بود!
خواب تا عصر و دِدر تا نیمه‌شب — عمر من عمری بر این منوال بود!
بعد یک هفته شدیم از هم جدا — چون عیالم عشق «استقلال» بود!
دربیِ قبلی تساوی گشت و بعد — بین ما شش! ساعتی جنجال بود!
سمتِ من بشقاب و قاشق پرت کرد — ضرب‌دستش عینهو «نادال» بود!
باورش سخت است اما پرت کرد — هرچه را در داخل یخچال بود!
زنگ می‌زد هی به خطِ خواهرش — گوشی او روز و شب اشغال بود!
یا حواسش بود توی فیسبوک — یا سرش در داخل کانال بود!
او چو رستم! بود و من هم رخش او — مادرش هم این وسط چون «زال» بود!
بود شب‌ها مادرش کابوس من — بر لبم از این جهت تبخال بود!
زنگِ در خورد و پریدم من ز خواب — حیف رؤیایم چو سیب کال بود!

امیرحسین خوش‌حال

کله چغوکی

عضو فضایی خاندان ما

سر ظهر داشتُم برمِگشتُم خانه، از دور دیدُم یَک گوله مشکی داره وسط کوچه جُل‌جُل مُکُنه. گفتُم ای چی جانوریه باز؟ نکنه از بس هوا گرم رفته فک آبی، شیر دریایی، چیزی از دریا فِرار کرده آمده اینجی؟ حالا نه که مشهد هم الان خیلی هواش عالیه و دور و برش هم پور از دریا و استلخ و آبه! نزدیکتر رفتُم دیدُم جنسش پلاستیکیه و داره فلاش مِزنه! گفتُم غلط نکنُم ای موجود فضاییه که سفینه‌شه گم کرده سر از اینجی درآورده، مثل «ای تی»! بُرُم بیگیرُمش مواظبش باشُم تا دست نیروهای فضایی نیفته!
رفتُم جلو یَکهو سرشِه برگردوند طرفُم، دیدُم ای دل غافل، ای که دداشُم جِماله که کیسه آشغالی کیشیدی به شِتِش و دِره از خودش را به را سلفی می‌گیره! یَک پس کَلَکی زدُم بهش، گفتُم: «یره دیونه، ای کاراته نکن!» هموجور که داشت دماغشه بالا می‌کیشید گفت: «چرا مِزنی خو؟ دارُم از خودُم عکس می‌گیرُم برفستم تو اینترنت تا مسی یا رونالدویی، سوارزی، علی دایی، یا اقلکن ممد مایلی و سوشا مکانی عکسُمه ببینن و بیان دنبالُم! از او کیسه‌های راه‌راه که شکل لباس آرجانتینه تو خانه نداشتِم که برُم کُنُم، ای ره پوشیدُم، با فتوشاپ درستش مُکُنم!» گفتُم: «خوب کاری مُکُنی، حالا اگه اونا عکسته نبینن، شاید یکی دیگه ببینه و دلش به حالت بوسوزه، کمپین راه بندازه و برات گلریزون بیگیره! شایدم از تیمارستانی، جایی ببینن و بیان ببرنت از دستت خلاص برِم!»

کِمال

قصارزاده

ایده و اجرا: صابری-مرادی

ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹

* من چند تا ایده و موضوع واسه پرونده صفحه اول «زندگی سلام» دارم. چی کار کنم؟ مهدی، مشهد

ماوشما: سوژه‌هاتون رو به شماره ۲۰۰۰۰۹۹۹ بفرستین که اگه مناسب صفحه «زندگی سلام» بود، کار کنیم.

* بابت چاپ شعر خانم لیلی تقوی در ستون «اندکی صبر» خیلی ممنونم، واقعاً زیبا بود. محمد احمد جامی، نیشابور
* ستون «۳نقطه» روز شنبه درباره کتاب و خودپرداز عالی بود. سعید جعفری مقدم، شیروان
* چرا چاپ «خفن‌استریپ» این‌قدر بی‌نظم شده؟! پنج‌شنبه چاپ نشد، شنبه هم چاپ نشد. محمد، مشهد
* مطلب «اهمیت پیوند مسجد با نهاد خانواده» توی صفحه «زندگی سلام» دیروز خیلی جالب بود. فکر می‌کنم بتونم بعضی از این کارا رو توی مسجد محل‌مون انجام بدم. مصطفی، بجنورد
* چرا سلسله مناجات‌های حضرت آیت‌ا... حسن‌زاده آملی، با عنوان «الهی‌نامه» دیگر چاپ و منتشر نمی‌شود؟

ما و شما: تمام الهی نامه ایشان یک دور کامل چاپ شد.

* ستون «دی‌روزنامه» توی صفحه «همشهری سلام» دیروز، خیلی زیاد حال‌بهم‌زن بود! علیرضایی، بیرجند
* آدرس تلگرامی که توی صفحه «خانواده و مشاوره» چاپ کردین، توش حرف «دال» فارسی رو داره؟! مگه داریم؟! مگه میشه؟! یزدی‌پناه، کاشمر
* از طریق روزنامه «خراسان» تولد پسر عزیزم علی کوچولو رو بهش تبریک می گم. خدایا همیشه مراقبش باش. پسرم تو قلب بابایی واسه همیشه. تقی قهرمانی، تهران

زندگی سلام

اسلام شناسی

شرط مفید بودن امر به معروف

شهید مطهری درباره شرط مفید بودن امر به معروف فرمودند: «شرایط مفید بودن امر به معروف و نهی از منکر، این است که اصالت داشته باشد یعنی تابع هیچ جریان دیگری نباشد، باید منبع جریان ها باشد نه تابع از جریان ها، متبوع جریان ها باشد نه تابع آن ها، نباید تابع شخص یا صنف یا یک جریان خاص سیاسی بوده باشد، نباید تابع و در خدمت شخص باشد ولو یک شخصیت روحانی، نباید در خدمت صنف و حزب باشد ولو صنف روحانی و حزب روحانیون، نباید تابع هیچ جریان سیاسی باشد.»

یادداشت های استاد مطهری، ج۱۰، ص۲۵۴

در محضر بزرگان

ارزش میانه‌روی در کارها

مرحوم آیت‌ا... بهجت درباره میانه‌روی و داشتن اعتدال در کارها گفته‌اند: «هر چیز از حد میانه و وسط به طرف افراط یا تفریط تمایل پیدا کند، عکس نتیجه مطلوب را خواهد داشت... هر چیز از حدش بگذرد، به ضد آن تبدیل می گردد. بنابراین، میانه‌روی در غضب، شهوت، خواب، خوراک و هر کار دیگر، منجی و نافع است، و دو طرف زیاده و نقیصه آن، مضر و مهلک [است].»

برگرفته از کتاب «در محضر حضرت آیت‌ا... العظمی بهجت»، ص ۳۳

احکام

صله رحم چیست؟

محمد علی ندایی - پیوند با خویشان که در آموزه‌های دینی از آن به «صله رحم» تعبیر می‌شود، بسیار سفارش شده و در مواردی نیز واجب است. سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود آن است که مصداق‌های صله رحم چیست؟ و آیا «رحم» شامل همه اقوام می‌شود یا این که تنها اقوام نزدیک را در بر می گیرد؟ حضرت آیت‌ا... سیستانی در استفتایی به این دو سؤال، چنین پاسخ داده‌اند:

سؤال: رحم در صله رحم به چه طبقه گفته می‌شود و حد آن را بیان کنید.

پاسخ: کسانی که با انسان در یک رحم شریک‌اند و از اقارب به شمار می‌آیند؛ بنابراین شامل نزدیکان سببی نمی‌شود و هم‌چنین کسانی که ارتباط نسبی دور دارند را شامل نمی‌شود. و صله رحمی که واجب است، این است که به نحوی نسبت به آن‌ها احسان کند در مقامی که جای احسان است. مثلاً در وقت بیماری، عیادت نماید و در وقت دعوت، بپذیرد و در وقت ملاقات، احوال‌پرسی کند و در وقت نیاز، کمک مالی نماید و امثال آن.

فتونکته

بریده ها

ببخشای یا بمیر!

مردم به طور کلی ترجیح می‌دهند بمیرند تا عفو کنند. تا این اندازه سخت است! اگر خداوند به زبان ساده می گفت: من به تو حق انتخاب می‌دهم، ببخشای یا بمیر، خیلی از مردم می‌رفتند تا تابوت‌هایشان را سفارش دهند!

«زندگی اسرارآمیز» اثر سومانک کید

کاریکلماتور

تصویرسازی: سعید مرادی

اندکی صبر

یک عاشقانه ساده!

با تبسم‌های گرمت
روز من آغاز شد...
صبح آمد،
خنده‌ات جاری‌ست،
لبخندت بخیر...

فرامرز عرب عامر

خفن استریپ

مسابقه شماره ۵۲ — 1sargarmi.ir

با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم. شما بگین کلمات چی هستن! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی واریز می شه که پاسخ صحیح ۳مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما»ی بعدی! متن کل پیامک های رسیده در وب سایت!

طراح: محمدمهدی رنجبر
تصویرساز: سعید مرادی

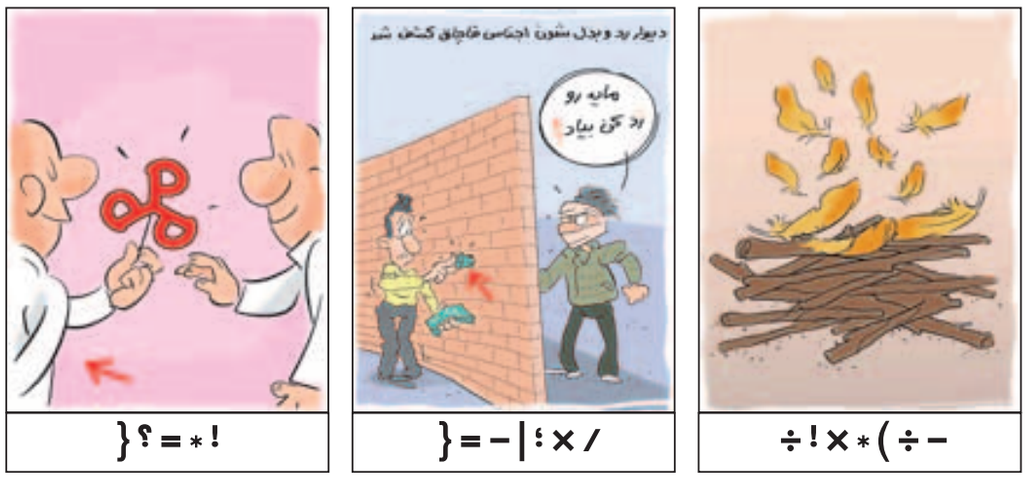

فشار زندگی دیوونه مون کرد؟

سلام.
برنده مسابقات ۴۹تا ۵۱ آقای امیر ادیب نیشابوری با شماره همراه ۰۹۱۵.....۵۶۶ هستن که به زودی جایزه براشون واریز می شه.
اما روز پنجشنبه نتونستیم طبق قرار غیررسمی که باهاتون داشتیم مسابقه رو تقدیم تون کنیم که باید بابتش عذرخواهی کنیم.
بعضی از مخاطبامون هم سوژه های خیلی خوبی برامون ارسال کردن که به زودی با اسم خودشون از سوژه هاشون استفاده می کنیم.
کماکان اختلاف نظر بر سر این موضوع که سوالات خفن استریپ خیلی سخت هستن یا خیلی ساده وجود داره. بعضیا معتقدن مسابقه هامون اصلا خفن نیست بلکه هلو و باقلواست! بعضی ها هم معتقدن فشار زندگی باعث شده دیوونه بشیم! چون اصلا معلوم نیست منظورمون چیه!
فعلا!